

بررسی مقصود از زینت در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف

*مهدى افتخار

چکیده

درباره مقصود از چیستی زینت در آیات ۳۱ و ۳۲ اعراف: «يَا أَيُّهُمْ أَنْذِلْنَا لَهُ مِنَ السَّمَاءِ زِينَةً كُلِّ مَسْجِدٍ... قُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» میان مفسران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی از مفسران از آیات فوق مباح بودن تجمل‌گرایی یا مستحب بودن آن در نماز را فهمیده‌اند. از بررسی سه دسته از تفاسیر که جنبه‌های: صوری، معنوی و هر دو جنبه صوری و معنوی آیات را مدنظر قرار می‌دهند و نیز توجه به احادیث واردہ در ذیل آیات، نتیجه آن می‌شود که چنین زینت نمی‌تواند لباس‌های اهل تجمل باشد، بلکه مقصود آیه در وهله نخست پوشش نماز خواندن و سپس لباس سفید، تمیز و مرتب است و در نهایت خوب است نمازگزار در هنگام اعياد، بهترین لباس موجود خود را بپوشد و بدیهی است که نباید این لباس، لباس شهرت یا تبذیر و زربفت و حریر (برای مردان) باشد. نمازگزار در کنار لباس ظاهری، باید در نماز و بهویژه در مسجد آرایه‌های باطنی و معنوی را با خود داشته باشد. لباس تقوا، اخلاق، درک حضور الهی و امثال آن از لوازم نماز است که نمازگزار باید نسبت به زینت گرفتن از آنها در نماز اهتمام ورزد.

واژگان کلیدی

آیات ۳۱ و ۳۲ اعراف، تفسیر فقهی، زینت ظاهری، زینت معنوی، پوشش نماز.

طرح مسئله

بحث زینت و تجمل از مباحثی است که از گذشته تا کنون در میان علمای اخلاق محل بحث و نظر بوده است. چگونگی و میزان بهرهوری از دنیا و زیبایی‌ها و مظاهر آن در مباحث اخلاقی و سبک زندگی اسلامی از مسائل زیر بنایی محسوب می‌گردد. در این که زینت‌های مادی دنیا و تجملات دنیایی مذموم و مانع راه آخرت و منافی با سبک زندگی اسلامی و معنوی است، بحثی نیست، اما مشکل صغای قصیه است، بدین معنا که مصاديق این قبیل زینت‌ها چیست؟ آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف در این مورد معرکه آراء است: در آیه نخست به برگرفتن زینت در مسجد دستور می‌دهد و در آیه دوم به صورت استفهام انکاری می‌پرسد: «چه کسی زینتی که خدا برای بندگانش بیرون آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» این آیه باعث شده برخی مطلق زینت‌های دنیا را حلال اعلام کنند یا نتیجه بگیرند که استفاده از زینت‌های دنیا محبوب خدای متعال است. به نظر می‌رسد ریشه این بحث را باید در مرحله نخست در خود قرآن کریم جستجو نمود و سپس در احادیث.

ترجمه «خُذُوا زِينَتَكُمْ» در ترجمه‌های فارسی

توجه به ترجمه‌های متفاوت «خُذُوا زِينَتَكُمْ» برای روشن شدن محل نزاع مفید است. ترجمه‌های آیه را می‌توان در چند گروه دسته‌بندی نمود:

۱. بیشتر مترجمان آن را به گونه تحت الفظی «زینت خود را برگیرید» ترجمه کرده‌اند. (ارفع، ۱۳۸۱: ۱۵۴)
- الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۱۵۴ و شعرانی، ۱۳۷۴: ۱۴۴)
۲. در مرتبه بعد فقط لباس پوشیدن و برخنه نبودن: عاملی: «برخنه نباشد». (عاملی، ۱۳۶۰: ۴ / ۱۴۳)
- خواجوی: «لباس خویش در برکنید». (خواجوی، ۱۴۱۰: ۵۸) آیتی: «لباس خود پوشید». (آیتی، ۱۳۷۴: ۱۵۴)
- فولادوند: «جامه خود را در هر نمازی برگیرید». (فولادوند، ۱۴۱۵: ۱۵۴)
۳. برخی آن را به لباس مناسب و آراسته پوشیدن، در مقابل کثیف و ژولیده بودن معنا کرده‌اند: کشف الاسرار: «آرایش گیرید و جامه پوشید». (میبدی، ۱۳۷۱: ۳ / ۵۹۱) مجتبوی: «جامه و آنچه مایه آراستگی است بر گیرید» (مجتبوی، ۱۳۷۱: ۱۵۴) و پورچوادی: «لباس شایسته» (پورچوادی، ۱۴۱۴: ۱۵۳) معنا کرده است.
۴. برخی بهترین لباس را پوشیدن معنا کرده‌اند: فیض الاسلام: «بهترین و پاکترین جامه‌های خود را پوشید». (فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۰۱)
۵. برخی زینت مادی و معنوی را مطرح کرده‌اند: انصاریان: «زینت مادی و معنوی خود را متناسب با

آن عمل و مکان برگیرید». (انصاریان، ۱۳۸۳: ۱۵۴)

۶. برخی زینت نکردن معنا کرده‌اند: گرمارودی: «در هر نماز گاهی زیور خود را بردارید». (گرمارودی،

(مجد: ۱۳۸۲: ۱۵۴) مجد: «همه زیورآلات را برکنید». (مجد، ۱۳۸۲: ۱۵۴)

۷. برخی به لباس زیستی پوشیدن تصریح نموده‌اند: «لباس پوشید و عربان نباشد و حتی لباس خوب

و زینتدار خود را در برکنید». (خسروی، ۱۳۹۰: ۳ / ۲۲۶)

مالحظه می‌شود که ترجمه‌ها از «مطلقاً زینت ظاهری نکردن» در نماز تا «داشتن لباس زیستی»

متغیر است.

معنای لغوی زینت

«رَيْن» در اصل به معنای زیبایی و نیکوبی و در مقابل «شَيْن» است و به هر چیزی که موجب زیبایی شود

«الرِّيَنَةُ» می‌گویند و به خاطر این که روز عید مردم زینت می‌کنند به آن «يَوْمُ الرِّيَنَةِ» گفته شده است.

«الرِّيَنَةُ» به سکون یاء و «الرُّونَةُ» دارای همین معنا است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۲۰۱) در آیات ذیل

زینت به همین معنا به کار رفته است:

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ نَّكَوَاتٍ. (صفات / ۶)

همانا ماییم که آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم.

وَلَكِنَّا حُلِّنَا أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا. (طه / ۸۷)

بلکه از زر و زیور مردم انبوهی به ما داده شد و آنها را (در آتش) انداختیم.

مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الرِّيَنَةِ. (طه / ۵۹)

موعد شما روز زینت است.

راغب اصفهانی زینت را به سه قسم تقسیم کرده است:

زینت نفسانی، مانند: علم و اعتقادات نیکو، زینت بدنی و خصوصیات ظاهری مانند:

قدرت و قد بلند و زینت خارجی مانند: دارایی و مقام. مثال مورد نخست در قرآن:

«*حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ*». (حجرات / ۷) مثال مورد دوم: «*مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ*»، (اعراف / ۳۲) و مثال مورد سوم: «*فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ*» (قصص / ۷۹) است.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ / ۱: ۳۸۹)

درباره موارد استعمال زینت می‌توان تقسیم دیگری نیز مطرح کرد؛ به این ترتیب که زینت در این دنیا

ممکن است مربوط به جهان مادی باشد یا مربوط به زندگی انسان و تکالیف او. زینت دنیای مادی یا در زمین است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زَيْنَةً لَهَا» (کهف / ۷) یا در آسمان: «إِنَّا زَيَّنَاهُ السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزَيْنَةٍ الْكَوَافِيرِ» (صفات / ۶)

زینت‌های مرتبط با زندگی انسان و وظایف دینی او یا به حیات مادی او مربوط هستند یا به حیات طبیبه معنوی او. دسته نخست خود به پنج بخش قابل تقسیم است:

حرام: لباس حریر در نماز یا لباس شهرت؛

مکروه: لباس سرخ برای مردان؛

مباح: لباس‌های معمولی؛

مستحب: لباس‌های سفید و انگشتی یا شانه کردن مو در نماز؛

واجب: پوشیدن لباس در حد ستر عورت در نماز.

زینت‌های حیات معنوی، یا واجب است، مانند: ایمان و اخلاق نیکو: «لِكُنَ اللَّهُ حَبِّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات / ۷) و یا مستحب است، مانند: باقیات الصالحات، یقین، مشاهده ملکوت و امثال آن. هنگامی که قرآن می‌فرماید: مال و پسران زینت حیات دنیا هستند اما باقیات الصالحات بهتر است؛ یعنی زینت‌بخش‌تر است: «أَلَّمَ أَلَّمَ وَأَلَّمُوا بُنُونَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ حَسِيرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَحَسِيرًا مَلَأُ». (کهف / ۴۶)

تفسیر آیات

تفسیر مربوط به دو آیه محل بحث را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته یکم: شامل تفاسیری است که بیشتر به بحث‌های لغوی و حدیثی می‌پردازند.

دسته دوم: از این‌گونه مباحث کلا صرف‌نظر نموده به جنبه‌های باطنی و تأویلی مشغول می‌شوند.

دسته سوم: هر دو جنبه را در نظر می‌گیرند.

الف) تفاسیر ناظر به گرایش‌های ادبی و روایی

از گروه نخست می‌توان تفاسیر زیر را مورد استناد قرار داد:

در تفسیر نور النقلین بیشتر از هر تفسیر روایی دیگری روایات ذیل آیه جمع آوری شده است. حویزی

در ابتدا با نقل روایاتی می‌گوید آیه ۳۱ سوره اعراف مربوط به نماز جمعه و عید فطر و قربان است و سپس

روایات متعددی با مضامینی مختلف در تفسیر زینت در مسجد می‌آورد از جمله: حمام رفتن و غسل کردن و

لباس سفید پوشیدن، شانه کردن موی سر و صورت، شانه کردن ریش در هر نمازی، لباس آراسته پوشیدن، پوشیدن لباس، پوشیدن بهترین لباسی که شخص دارد و غسل کردن برای ملاقات با امام (در معنای تأویلی). (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۸، ۲ و ۱۹)

همچین حوزی نقل می‌کند که ثقیان ثوری، امام صادق علیه السلام را در مسجد الحرام می‌بیند که لباس مَرْوَى^۱ نیکوبی پوشیده است. به ایشان عرض می‌کند: پوشیدن چنین لباس پر قیمتی سزاوار شما نیست، پیامبر علیه السلام و هیچ یک از پدران شما چنین لباسی نمی‌پوشید؟! ایشان در جواب می‌فرماید: آنان در زمانی بودند که مردم در سختی زندگی می‌کردند، اما امروز درهای دنیا گشوده شده و بهترین کسانی که از آنها استفاده می‌کنند ابرار هستند و آیه ۳۱ سوره اعراف را تلاوت فرمود. راوی در ادامه حدیث نقل می‌کند که امام علیه السلام زیر خود را نشان داد که از پشم زبر بود برخلاف ثقیان که لباس روی او زبر بود اما لباس زیرش نرم. در ادامه همین جریان را نقل می‌کند با این تفاوت که اعتراض کننده عباد بن کثیر است و جواب امام این است که وقتی خدای متعال نعمتی را به بنده‌ای ارزانی می‌کند، دوست دارد اثر آن را برابر ببیند. (همان: ۲۱)

همچنین از حمیری نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام در زمستان لباسی از خز را ۵۰ دینار می‌خرید و در تابستان می‌فروخت و پلوش را صدقه می‌داد و می‌فرمود: اشکالی ندارد و آیه ۳۱ سوره اعراف را تلاوت می‌کرد. (همان؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۸)

در همین مورد حدیثی از امام علی علیه السلام درباره «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ...» از امالی شیخ طوسی به نقل از امیرمؤمنان علیهم السلام می‌آورد:

اعلموا يا عباد الله ان المتقين جازوا عاجل الخير و آجله، شاركوا أهل الدنيا في دنياهم ولم يشاركهم أهل الدنيا في آخرتهم، أباح لهم الله في الدنيا ما كفاهم به وأغناهم، قال الله عز وجل: «فُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ.....» سكنوا الدنيا بأفضل ما سكت و أكلوها بأفضل ما أكلت، شاركوا أهل الدنيا في دنياهم فأكلوا معهم من طيبات ما يأكلون و شربوا من طيبات ما يشربون، ولبسوا من أفضل ما يلبسون....و هم غدا جيران الله.

ای بندگان خدا بدانید که خیر دنیا و آخرت نصیب اهل حق است، آنان با اهل دنیا در دنیا یا شریک شدند اما اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. خدای متعال در دنیا آنچه را موجب کفایت و بی‌نیازی آنان است بر ایشان مباح کرد. خدای عزوجل

۱. پالتویی منسوب به شهر مرو خراسان.

می‌فرماید: «بگو چه کسی زینتی را که خدا برای بندگانش بیرون آورده، حرام می‌کند؟» آنان (اهل تقوی) در دنیا در بافضلیت‌ترین جایی که اهل دنیا زندگی می‌کردند، زندگی کردند و از آن به بافضلیت‌ترین نحو ارتقا نمودند: با اهل دنیا شریک شدند و از چیزهای پاکیزه‌ای که آنها می‌خورند، خوردند و از نوشیدنی‌های پاکیزه‌ای که آنها می‌نوشند، نوشیدند و از بهترین لباس‌هایی که آنها می‌پوشند، پوشیدند ... و در آخرت همسایگان خدای متعال خواهند بود. (حویزی، ۱۴۱۵: ۲۴ / ۲ - ۱۸)

امین‌الاسلام طبرسی در مجمع‌البيان به نقل از امام باقر علیه السلام «خُذُوا زِينَتَكُمْ عَنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» را پوشیدن بهترین لباس‌های زینتی برای نماز جمعه و اعیاد ذکر می‌کند. همچنین از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل می‌کند که می‌فرمود: بهترین لباسم را برای نماز می‌پوشم؛ چون خدا زیبا است و زیبایی را دوست دارد. سپس معنای عربیان نبودن در نماز و شانه کردن موها قبل از نماز را هم می‌آورد. و «مَنْ حَرَّمَ زِينَتَ اللَّهِ الَّتِي...» را لباس‌های حالی که مردم برای زینت می‌پوشند، معنا کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۳۷ و ۶۳۸)

فاضل مقداد در کنز‌العرفان شأن نزول آیه را عربیان طواف کردن مشرکین در مسجد‌الحرام ذکر می‌کند و می‌گوید: تمام مفسران بر این اتفاق نظر دارند که مراد از اخذ زینت در آیه ستر عورت در نماز است، سپس از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل می‌کند که مستحب است در نماز جماعت و نماز عید زیباترین لباسش را بپوشند و آن را دلیل می‌گیرد بر استحباب نیکو پوشیدن و لباس خشن پوشیدن در نماز مگر، که شعار باشد، و سپس داستانی را به عنوان مشهور در صحبت جهله صوفیه با امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که گروهی از آنان به دیدن ایشان آمدند و گفتند: انتظار از شما این است که لباس خشن بپوشید و غذای سخت بخورید و ایشان در جواب فرمود: یوسف پیامبر لباس حریر طلا‌بافت می‌پوشید، بر اریکه فرعون تکیه می‌زد و حکم می‌کرد، از امام هم فقط صدق در گفتار و وعده‌ها و حکم به عدالت خواسته شده است و خدا هیچ لباسی و هیچ غذایی را حرام نکرده و آیه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالظَّيْبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف / ۳۲) را خواند. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۱ / ۹۵)

در انوار‌التنزيل و اسرار‌التأویل بیضاوی معتقد است «خُذُوا زِينَتَكُمْ» برای ستر عورت در نماز و یا در طواف لباس پوشیدن است و اضافه می‌کند که سنت این است که شخص برای نماز بهترین هیئت را داشته باشد. وی از ابن‌عباس نقل می‌کند: هرچه می‌خواهی بخور و هرچه می‌خواهی بپوش، اما اسراف و کم گزاردن باعث خطایت می‌شود.

وی آیه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ...» (اعراف / ۳۲) را به این معنا می‌گیرد که تجمل در

لباس یا چیزهای دیگر از جنس چیزهای طبیعی مثل پنبه و کتان و حریر و پشم و چیزهای معدنی همه حلال‌اند و اصل در خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها و انواع تجملات اباحه است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۱)

در جمع‌بندی این دسته از تفاسیر می‌توان گفت تمام مفسران بر این اتفاق نظر دارند که مراد از اخذ زینت در آیه، ستر عورت در نماز است و مستحب است نمازگزاران در نماز جماعت و نماز عید زیباترین لباسش را بپوشند، از لباس‌های حالی که مردم برای زینت می‌پوشند. البته نمی‌توان پذیرفت که پوشیدن لباس‌های تجملاتی و گران‌قیمت مراد بوده است

ب) تفاسیر ناظر به گرایش‌های عرفانی

دسته دوم تفاسیر عرفانی و اشاری هستند که سه تفسیر از این دست مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از نظر قشیری در لطائف الاشارات برگرفتن زینت بر حسب علم (تفسیر) وجوب ستر عورت در نماز است، و بر حسب اشاره، زینت بنده در حضور خدا بودن و استقامت و دوام شهود است. به نقل او زینت نفوس عبادت کنندگان آثار سجود و زینت قلوب عارفان انوار وجود است ... اشاره دیگر این که زینت عبادت کنندگان آثار توحید و زینت واجدین انوار تحقیق و زینت قاصدین ترک عادت و زینت عابدین نیکوبی عبادت است. به نقل اوی زینت زبان ذکر و زینت قلب شکر است و گفته می‌شود زینت ظاهر سجود و زینت باطن شهود است

از نظر او معنای آیه: «**قُلْ مَنْ حَمَّ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي....**» (اعراف / ۳۲) چنین است: خدا این زینتها را از کسانی که خود را در معرض آن قرار دهند منع نمی‌کند، پس برای هر که به دنبال آنها باشد مباح است، رزق نفوس از فضل او و رزق قلوب از اقبالش است. (خشیری، بی‌تا: ۵۳۱ و ۵۳۲)

اما از نظر ابن‌عربی «**خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كَلِّ مَسْجِدٍ**» یعنی ملازم زینتها نماز باشید و به آنها تمسک جویید: زینت مقام اول سجده اخلاص در عمل برای خدا است و زینت مقام دوم توکل و مراجعات شرایط آن است و زینت مقام سوم قیام به حق رضا است و زینت مقام چهارم تمکین در تحقق به حقیقت حقیه و مراجعات حقوق استقامت است، وی درباره «**قُلْ مَنْ حَمَّ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ**» (اعراف / ۳۲) می‌گوید: یعنی کسی اهل نماز را از تزیین به این زینتها منع نکرده و کسی نمی‌تواند بگوید خدا مانع این زینتها شد. وی ارزاق طیب که به طور خالص در قیامت مخصوص مؤمنین است را علوم پاکیزه و علوم مقام توکل و رضا و تمکین می‌داند که در این دنیا برای آنان است، اما در قیامت خالص از تلویبات و بقایای افال و صفات و ذات نصیب آنان می‌گردد. (ابن‌عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۳۳)

نخجوانی در کتاب تفسیر خود، **الفرواتح الالهیه**، «**زینه الله**» را حقایق، معارف، مکاشفات و مشاهدات

می‌داند؛ خصوصاً آنها که در مساجد رخ می‌نمایند. وی «مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف / ۳۲) را مربوط به تجلیات اسمائی، صفاتی و ذاتی می‌داند که مخصوص بندگان خالص است و این گروه خاص از آنها محروم نمی‌شوند. بهمین خاطر روزی‌های پاکیزه - در ادامه آیه - را روزی‌های معنوی و لذت‌های روحانی می‌داند که هم در دنیا نصیب آنان است و هم در آخرت. در دنیا با قوای بشری و کوروات حیوانی مخلوط است، اما در آخرت به طور خالص فقط نصیب بندگان خاص الهی که در این دنیا به مقام توحید رسیده‌اند، خواهد بود. (نجف‌جانی، ۱۹۹۹: ۲۴۷)

مالحظه می‌شود که توجه این دسته تفاسیر تنها به جنبه‌های باطنی نماز و عبادت معطوف شده است. در این دسته تفاسیر هرچند مطالب صحیحی نقل شود چندان توجیهی به انطباق و هماهنگی با الفاظ آیات وجود ندارد.

ج) تفاسیر ناظر به گرایش‌های مختلف تفسیری

گروه سوم تفاسیری است که هم به جنبه‌های ادبی و تاریخی و فقهی آیه نظر دارد و هم به جنبه‌های باطنی آن.

گنابادی در بیان السعاده برگرفتن زینت در نماز را مجموعه‌ای از زیبایی‌های ظاهری و باطنی می‌داند، از قبیل: پاکیزگی بدن از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها، لباس‌های زیبا و پاکیزه، زیبا کردن موی‌های سر و ریش با شانه کردن و روغن زدن و خضاب، و از قبیل کارهای پسندیده، اقوال فضیح که روش‌کننده امور آخرت‌اند، محبت خویشاوندان و عقاید صحیح، و نیز احوال و اخلاق زیبا و مکافات صحیح و مشاهدات قلبی و معاینات روحی و امثال آن. وی درباره «مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف / ۳۲) معتقد است: گویا گروهی ترک زینت و ترک مأکول و مشروب پاکیزه را از لوازم عبادت و طلب آخرت می‌شمردند، پس آنها را اولاً امر به تربیت و اکل و شرب نمود و ثانیاً از باب تأکید تحریم آن را انکار نمود. توصیف زینت، به اخراج برای بندگانش، جهت اشاره به این است که زینت اولاً و بالذات برای کسی است که عبد خدا باشد و برای غیر او به تبعیت حاصل می‌شود، نه این که برای بندگان به خاطر عبادتشان حرام باشد. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۷۶)

از نظر علامه طباطبائی در المیزان معنای «به همراه برداشتن زینت در موقع رفتن به سوی مسجد» آرایش ظاهری نیست، بلکه آرایشی است معنوی که مناسب با نماز و طواف و سایر عبادات باشد. پس معنای آیه بر می‌گردد به امر به زینت کردن نیکو (ی معنوی) برای نماز و غیر آن و اطلاق آن شامل نماز اعياد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر وجود عبادت و ذکر می‌شود. ایشان زینتی که حرام نشده و

خدای متعال برای بندگان ایجاد کرده را به قرینه تقابل «زین» با «شین»، همه اموری می‌داند که در اجتماع نفرت را از بین می‌برد؛ اعم از امور ظاهری و باطنی. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۷۹ و ۸۰)

منطق قرآن درباره دنیا و زینت‌های آن

برای روشن‌تر شدن معنای زینت موردنظر قرآن می‌توان از دیدگاه کلی قرآن درباره زینت‌های دنیایی و دنبال کردن معنای زینت به صورت موضوعی نیز کمک گرفت.

مالحظه شد که در تفاسیر درباره زینت در نماز اختلاف زیادی وجود دارد؛ از فقط عربان نبودن تا پوشیدن گران قیمت‌ترین لباس‌ها و از زینت‌های مادی صرف تا زینت‌های معنوی و روحی صرف. اما فهم معنای دنیا در قرآن و منطق قرآن درباره دنیا و بهره‌وری از آن می‌تواند برای بهدست آوردن راه حل اختلاف تفاسیر راه‌گشا باشد. همان‌طور که در منطق و منظر قرآن میان دنیا و آخرت تقابل وجود دارد، این هر دو برای خود زینت‌هایی دارد که در منطق توحیدی قرآن طبق حکمت الهی، خدا هر دو را در دل‌های انسان‌ها زینت داده است. درباره زینت‌های معنوی می‌فرماید:

وَلِكِنَ اللَّهُ حَبِّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفَّرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ
أُولَئِكَ هُمُ الرَّأْشُدُونَ. (حجرات / ۷)

لیکن خدای تعالیٰ ایمان را محبوب شما کرد و در دل‌هایتان زینت داد و کفر و فسق و عصيان را مورد نفرت‌تان قرار داد، اینان رشد یافتگانند.

درباره زینت‌های مادی می‌فرماید:

زُيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءامَنُوا وَاللَّذِينَ اتَّقَوْا فَوَقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (بقره / ۲۱۲)

زندگی دنیا در نظر کسانی که کافر شدند زینت داده شده و به همین جهت کسانی را که ایمان آورند مسخره می‌کنند؛ در حالی که مردم با تقوا در روز قیامت فوق آنانند و خدا هر که را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

از استناد آیه به دارایی بیشتر و روزی‌های فراوان مؤمنین در آخرت، معلوم می‌شود مسخره کردن مؤمنین توسط کافران به خاطر فقیر بودن مؤمنین بوده است؛ یعنی به خاطر کم بودن دارایی‌های آنها در دنیا و فقیر بودن و نامناسب بودن هیئت ظاهری مؤمنین، آنان را مسخره می‌کردند. قرآن در جای دیگر زینت‌های دنیا را به تفصیل بیان می‌نماید که همه از مایه‌های شهوت انسان و

مربوط به زندگی موقت در این جهان‌اند:

**رِّيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ السَّيْءَ وَالْبَيْنَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقْنَطَرَةِ مِنَ الدَّهْبِ وَالْفِضَّةِ
وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاءِ.**
(آل عمران / ۱۴)

علاقه به شهوت برای مردم زینت داده شده است؛ یعنی: زنان و فرزندان و گنجینه‌های پر از طلا و نقره و اسباب نشان دار و چارپایان و مزرعه‌ها، اینها وسیله زندگی موقت دنیا است و سرانجام نیک نزد خدا است.

دوستی شهوتها و پیروی از هواهای نفسانی را با زینت دادن توصیف کرده است، پس هر که تمامی آنها را دوست بدارد، تمام دنیا را در نهایت دوست داشته است و هر کس اصل یا فرعی از آنها را دوست بدارد، بخشی از دنیا را دوست داشته است. بنابراین دنیا معادل با شهوت‌هاست.
در مقابل این شهوت‌زدگان کسانی قرار دارند که به حیات واقعی زنده شده‌اند و با نور ایمان در این جهان اعمال خیر انجام می‌دهند و به سوی سعادت جاوید راه می‌پیمایند:

**أَوْمَنْ كَانَ مَيْتَانًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ، تُورًا يَمْسِيْ بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَتَّلُهُ، فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ
بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زِينَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.** (انعام / ۱۲۲)

آیا آن کس که مرده بود و زنده‌اش کرده برای او نوری قرار دادیم که به کمک آن میان مردم راه می‌رود با کسی که صفت وی در ظلمات (بودن) است و از آن بیرون شدنی نیست چگونه مثل هم تواند بود؟

بدین‌سان برای کسانی که کافر شده‌اند اعمالی که می‌کرده‌اند آرایش یافته است.
قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

**وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَا إِلَيْنَا لِجَنَبَةٍ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضَرَّهُ مَرَّ كَانَ لَمَّا
يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّمَسَةٍ، كَذَلِكَ زِينَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.** (يونس / ۱۲)

چون زیانی به آدمی برسد، در هر حالت که باشد - به پهلو خفته یا نشسته و یا ایستاده - ما را به دعا می‌خواند، اما وقتی رنج او را بطرف کردیم چنان می‌رود که گویی هرگز برای دفع مشکل خود ما را نخوانده بود، بدین‌گونه کردار مسروقان در نظرشان زینت داده شده است.

یعنی اعراض از یاد خدا و توسل به او و احساس بی‌نیازی با برخورداری از دنیا نتیجه زینت دنیا در دل‌های آنان است.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بِيَنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُبَنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ. (محمد / ۱۴)

آیا کسی که از جانب پروردگار特 دلیل روشنی دارد با کسی که کردار بد او در نظرش جلوه کرده است و از هوای نفس پیروی می‌کند برابر است؟

نیز فرمود:

فَأَتَامَنْ طَغْيَ * وَأَثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى * وَأَمَانْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَهَىَ النَّفْسُ عَنِ الْهُوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى. (نازاعات / ۴۱ - ۳۷)

اگر کسی که طغیان نمود و زندگانی دنیا را برگزید پس جهنم جایگاه اوست و اما هر که از مقام پروردگارش هراسید و نفس را از هوی باز دارد به یقین بهشت جایگاه اوست.

نتیجه آنکه در منطق قرآن زینت یافتن دنیا در قلب هماهنگ با پیروی از هوای نفس و رستگاری هماهنگ با مخالفت با هواها است، و دنیا، اطاعت نفس از هواوهوس، به طرف زینت‌های دنیا است که موجب شقاوت ابدی می‌باشد.

چنان‌که علامه مجلسی از احادیث نتیجه می‌گیرد دنیا کم و زیادش و حلال و حرامش ملعون (دور افتاده از رحمت خدا) است مگر آن مقداری که به تقوا کمک کند که همان مقدار ضروری از احتیاجات است و این مقدار، دنیا محسوب نمی‌شود و هر کس معرفتش بیشتر و قوی‌تر باشد، بیشتر از نعمت‌های دنیا پرهیز می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰ / ۲۸) عین همین عبارت‌ها را نراقی در جامع السعادات می‌آورد (نراقی، بی‌تا: ۲ / ۳۴) بنابراین نکته قابل توجه آن است که نیازمندی‌ها از دنیا نیست؛ زیرا نتیجه ضرورت‌های زندگی است و توجه به نیازهای ضروری شهوت نامیده نمی‌شود، اگرچه انسان به آن گرایش داشته باشد. این مطلب با خبری که صاحب نور الثقلین از امام علی علیهم السلام مبنی بر استفاده از مباحثات در حد ضرورت و کفاف نقل کرد هماهنگ خواهد بود. بنابراین توجه بیش از حد ضرورت به دنیا و زینت‌هایش در هر حال اگر حرام هم نباشد از نظر اخلاقی مردود است.

معنای زینت دنیا

قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِيَّةً لَهَا لِنَبْلُوْهُمْ أَيْهُمْ أَحَسَنُ عَمَلاً. (کهف / ۷)

ما این چیزها را که روی زمین هست آرایش آن کرده‌ایم تا ایشان را بیازماییم که کدامشان از جهت عمل بهترند.

نیز فرمود:

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ أَتَيْتَنِي فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ. (يونس / ۸۸)

موسی گفت: پروردگارا تو فرعون و اشرافش را در زندگی این دنیا زینت آلات و مال و منال دادهای که بدین وسیله بندگانت را گمراه کنند.

و می‌فرماید:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثُوابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا. (کهف / ۴۶)

مال و فرزندان زیور زندگی این دنیا است و کارهای شایسته نزد پروردگارت ماندنی تر و دارای پاداشی بهتر و امید آن بیشتر است.

در جایی دیگر زینت دنیایی را یکی از مظاهر بیرونی اصلی دنیا و دنیاطلبی معرفی می‌کند:

إِغَمِّوْا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَلُّرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلٍ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ، ثُمَّ يَهْيَجُ فَتَرَبِّهُ مُصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَاماً وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. (حدید / ۲۰)

بدانید که زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی، تجمل و تفاخر در میان خودتان و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که روییدنی‌هایش کشاورزان را به شگفت می‌آورد و آنگاه بخشکد به گونه‌ای که آن را زرد بینی و سپس خرد شود و در آخرت عذاب شدید است یا آمرزش الهی و رضای او؛ و زندگی دنیا چیزی جز سرمایه فریب نیست.

بنابراین بهطورکلی تمام اموال و دارایی‌های دنیوی و چیزهای جالب توجه و جذاب مادی همه زینت‌های حیات دنیا هستند که کسی که در مسیر آخرت است، هرچه می‌تواند باید از آنها صرف‌نظر کند. از همین‌رو است که به پیامبر خود دستور می‌دهد از توجه و طلب زینت دنیا بپرهیزد:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلَنَا قَلْبَهُ، عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّسَعَ هُونُهُ وَكَانَ أَمْرُهُ، فُرْطًا. (کهف / ۲۸)

با کسانی که بامداد و شبانگاه پروردگار خویش را می‌خوانند و رضای او را می‌جویند با شکیبایی قرین باشد و دیدگانت به جستجوی زیور زندگی دنیا از آنها منصرف نشود.

کسی را که دلش را از یاد خویش غافل کرده‌ایم و هوس خود را پیروی کرده و کارش زیاده‌روی است اطاعت مکن.

تحلیل و جمع‌بندی

چنان‌که ملاحظه شد در تفسیرهای گروه نخست تقریباً هیج اشاره‌ای به زینت‌های معنوی نشده است و در تفسیرهای عرفانی و اشاری به عکس این گروه، زینت در نماز تنها به معارف، احوال و زیبایی‌های معنوی تفسیر شده است. دسته سوم از تفاسیر که هر دو جنبه آیه را در نظر گرفته‌اند، دارای جامعیت بیشتری می‌باشند. در مقام داوری باید گفت: شأن نزول آیه عربیان نماز نخواندن است و نخستین معنایی که از آیه به اجماع استفاده می‌شود همین معنا است. همچنین آیه مطابق احادیث به برخی زینت‌های ظاهری که مصاديقش در احادیث آمده، نیز نظر دارد؛ یعنی: لباس ساده، سفید، تمیز و معطر و یا شانه‌زن قبل از نماز و ژولیده نبودن.

اما از جانب دیگر زینت‌های باطنی و معنوی را نیز که مفسران به حسب ذوق و سلیقه خود برشمرده‌اند، در نماز نباید از نظر دور داشت. تمایل به معنوی معنا کردن زینتی که در نماز لازم است، از معنای منفی زینت‌های دنیایی در قرآن به وجود می‌آید؛ به خصوص اگر تعبیر «زینة الله» با تعابیری مانند: «صبغة الله» یا «ایام الله» مقایسه شود که در موارد مشابه، اضافه لغتی به «الله» نشان‌دهنده جنبه قدسی و الهی قضیه است. از سوی دیگر اگر آیه را در کنار آیاتی که زینت حیات دنیا را سرمایه فریب می‌داند یا باقیات الصالحات را دارای پاداش بهتر و امیدوار کننده‌تر از زینت دنیا معرفی می‌کند، معنا شود، می‌توان تفسیر «زینة الله» را در آیه، به زینت‌های باطنی نمازگزار، موجه دانست. از آیات قرآن درباره زینت مشخص می‌شود مسائل مالی هرچه باشد از جمله زینت‌های حیات دنیا است که در مقابل باقیات الصالحات و آراستگی‌های معنوی قدری ندارد. جای دیگر نیز قرآن کریم زینت بودن لباس را همین می‌داند که زشتی‌های انسان (شرمگاه) را می‌پوشاند:

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْءَاتُكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ
إِيمَانِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ؛ (اعراف / ۲۶)

ای فرزندان آدم! بی گمان برایتان لباسی فرو فرستادیم تا شرمگاه‌هایتان را بپوشاند و زیوری باشد اما جامه پرهیزگاری، بهتر است. این از آیات خداست. باشد که آنها پند گیرند.

بنابراین از آن جهت که در لغت «زین» در مقابل «شین» است و لباس سوآت (زشتی‌ها) را می‌پوشاند، در بیان قرآن زینت نامیده شده است و همین مقدار برای زینت نامیدن آن در آیه مورد بحث کافی است

و نیازی نیست «خُذُوا زِيَّتَكُمْ» را لباس تجملی معنا کنیم و به هیچ عنوان نمی‌توان استفاده از لباس‌های تجملاتی در نماز یا غیر نماز را از آیه استباط کرد. افزون بر این که در همین آیه ۲۶ سوره اعراف می‌فرماید: لباس ظاهری موجب زینت است، اما لباس تقوا بهتر و زینت‌بخش‌تر است و طبعاً لباس تقوا با مسجد که مکان عبادت و خالص شدن برای خدا است مناسبت بیشتری دارد و روشن است که آراستگی‌های روحی و معنوی با حال نماز و مکان مسجد مناسب‌تر است.

به عنوان تحلیل روایات مذکور در تفاسیر در ذیل آیه، باید گفت روایاتی که مبنی بر پوشاندن عورت در نماز یا پوشیدن لباس سفید و تمیز یا شانه کردن مو وارد شده در همه تفاسیر آمده و همه به آنها استناد کرده‌اند، اما احادیثی که دال بر پوشیدن لباس‌های گران قیمت و زینت است با احادیث دیگری در تضاد است، از جمله از پیامبر ﷺ درباره اتفاقاتی که در آینده خواهد افتاد روایت شده که فرمود:

... مردم راه را رها کرده‌اند و به دنیا رو می‌آورده و آخرت را رها می‌کنند، چیزهای نیکو می‌خورند، لباس‌های زینتی می‌پوشند در نیکوبی غذا و نوشیدنی و بوهای خوش خود را غرق می‌کنند، در برج‌های بلند و خانه‌های زینت یافته زندگی می‌کنند و ... با تأویل اشتباه از قرآن می‌گویند: «مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ». (حلی، ۱۴۰۶: ۲۰؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۵۷)

پوشیدن لباسی با قیمت ۵۰ دینار، اسراف و تبذیر است و با دیگر احادیث از سیره ائمه اطهار ﷺ سازگار نیست. از جمله امام علیؑ در خطبه متquin درباره اهل تقوا می‌فرماید: «ملبسهم الاقتصاد و مشیهم التواضع» (نهج البلاعه، خطبه ۱۶۱) و در حدیثی امام علیؑ خطاب به ابوذر فرمود:

يا اباذر من ترك لبس الجمال و هو يقدر عليه تواضعنا لله فقد كسامه حله الكرامة؛
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۹۲)

ای ابوذر هر کس پوشیدن لباس زیبا و تجملی را در حالی که می‌تواند، از روی تواضع برای خدای متعال ترک کند، خدا خلعت کرامت به او می‌پوشاند.

در آنجا که نقل شده امام رضاؑ متعرض برخی شدند که ادعای ترک دنیا داشتند، نیز منظور تشویق به لباس تجملی نیست، چنان‌که خود امام رضاؑ در زمان ولایت‌عهدی بر خلاف مأمون که با لباس طلاق‌بافت و اشرافی به نماز می‌رفت، با پای برهنه و لباسی در نهایت سادگی به نماز عید رفت، نه لباسی تجملاتی و گران قیمت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹ / ۱۳۴) در حدیثی نیز که از برخورد شفیان ثوری با امام صادقؑ نقل شده این برداشت او از قیمتی بودن لباس امام است و در اصل روایت است که امام لباس

مروی نیکویی پوشیده بود که طبعاً لباس مناسبی در آن زمان بوده است نه لباس تجملات؛ معنای کلام امام جواز رفاهطلبی و تجمل گرایی نیست (حرمت اسراف و تبذر از نظر فقهی و ممنوع بودن حرص و طمع دنیوی از نظر اخلاقی در جای خود ثابت است) بلکه مراد امام علیه السلام این است که وقتی رفاه عمومی وجود دارد و همه مردم لباس خوب می‌پوشند، چنین پوششی لباس معمولی جامعه است و پوشیدن آن برای امام و دیگر مؤمنین جایز است و مانع شرعی ندارد.

کلینی نقل می‌کند کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: امام علی علیه السلام لباس خشن و کهنه و کم قیمت می‌پوشید و پیراهن ایشان فقط چهار درهم قیمت داشت، چرا شما لباس نو می‌پوشید؟ ایشان در جواب فرمود: «در آن زمان مردم بسیار فقیر بودند و اگر الان کسی آن لباس را بپوشد لباس شهرت خواهد بود، بهترین لباس در هر زمان همان لباس معمولی آن زمان است، البته امام عصر علیه السلام که ظهور کند همان لباس حضرت علی را خواهد پوشید و به همان شیوه رفتار خواهد کرد». (کلینی، ۱۳۶۵ / ۱ / ۴۱۱) به نظر می‌آید غیر از این که امام با اشاره به روش امام عصر (ارواحتنا فداء) صحیح‌تر بودن این نوع پوشش را می‌رسانند، به اشاره می‌رساند که خود ایشان نیز اگر شرایط جامعه اجازه می‌داد – یعنی باعث انگشت‌نمایشدن نبود – همین روش را (یعنی پوشیدن لباس کم قیمت و فقیرانه را) عمل می‌کردند. آنچه فصل الخطاب احادیث است روایت مروی از امام علی علیه السلام در «نور الثقلین» است، چنان‌که در صدر حدیث ملاحظه می‌شود استفاده از دنیا برای مؤمنین در حد مباح و حد ضرورت بی‌نیازی از دنیا است، پس «بهترین خوراک و پوشاسک» که در ذیل حدیث آمده مقید به مباح بودن و در حد کفاف و نیاز بودن است، نه اینکه بدون حد قبل استفاده باشد.

نتیجه

روایات معدودی که در ذیل آیه نقل شده و ممکن است به جواز پوشیدن لباس تجملاتی در نماز یا غیر آن اشعار داشته باشد، با توجه به منطق قرآن درباره حیات دنیا و آیاتی که زینت دنیا را مایه امتحان دانسته، یا از توجه به زینت‌های دنیا نهی کرده، یا زینت حیات دنیا را سرمایه فریب می‌داند و امثال آن رد می‌شود و همچنین با روایات متعددی که در نقطه مقابل و در اثبات ساده‌زیستی و لزوم دوری از تجملات در سیره پیامبر علیه السلام و امامان علیهم السلام وجود دارد، مردود می‌باشد.

از مجموع روایات چنین استتباط می‌شود که هرچند پوشیدن لباسی که لباس شهرت نباشد و از شأن اجتماعی فرد بالاتر نباشد و پوشیدن آن اسراف و تبذر نباشد، حرام نیست و مباح است، اما بهترین لباس برای نماز، لباس معمول و متوسط، تمیز و آراسته است و خوب است در اعیاد شخص لباس خوبش را بپوشد.

بر اساس آنچه گذشت، اینکه مؤمن در بهره‌برداری از زینت‌های دنیا به‌طور مطلق آزاد باشد، یا استفاده از هر نوع زینتی دنیابی محبوب خدا باشد به‌هیچ عنوان از آیه استفاده نمی‌شود و مطلب صحیحی نیست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح محمد عبده، قم، دار الذخائر.
- آیتی، عبدالالمحمد، ۱۳۷۴، ترجمه قرآن کریم، تهران، سروش.
- ابن عربی، محبی الدین محمد، ۱۴۲۲ق، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- الهی قمشه‌ای، مهدی، ۱۳۸۰، ترجمه قرآن کریم، قم، فاطمه الزهراء^{علیها السلام}.
- ارفع، سید کاظم، ۱۳۸۱، ترجمه قرآن کریم، تهران، فیض کاشانی.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۳، ترجمه قرآن کریم، قم، اسوه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، آنوار التنزيل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- پورجودی، کاظم، ۱۴۱۴ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- حلی، ابن فهد، ۱۴۰۶ق، التحصین، قم، مؤسسه امام مهدی^{علیه السلام}.
- حمیری قمی، عبدالله ابن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الاستناد، قم، مؤسسه آل البيت^{علیهم السلام}.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الشفیلین، قم، اسماعیلیان.
- خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰، تفسیر خسروی، ج ۳، تهران، اسلامیه.
- خواجهی، محمد، ۱۴۱۰ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، مولی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیه.
- شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۷۴، ترجمه قرآن کریم، تهران، اسلامیه.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البيان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، ترجمه تفسیر عاملی، تهران، صدوق.

- فاضل مقداد، جمالالدین مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، *كنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، مجتمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فولادوند، محمد مهدی، ۱۴۱۵ ق، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، دار القرآن الکریم.
- فیض الاسلام، سید علی نقی، ۱۳۷۸، *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، تهران، فقیه.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی‌تا، *لطائف الاشارات*، مصر، الهیه المصريه العامه للكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الكافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الكتب اسلامیه.
- گرمارودی، علی، ۱۳۸۴، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، قدیانی.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- مجتبی‌ی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۱، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، حکمت.
- مجید، امید، ۱۳۸۲، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، امید مجید.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعة للدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- میبدی، رشیدالدین احمد، ۱۳۷۱، *كشف الاسرار وعدة الابرار*، تهران، امیر کبیر.
- نخجوانی، نعمت الله بن محمود، ۱۹۹۹ م، *الفوائع الالهیه والمفاتیح الغیبیه*، مصر، دار رکابی للنشر.
- نراقی، محمد‌مهدی، بی‌تا، *جامع السعادات*، نجف، دار النعمان.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

